



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۲۹

همت

مدال خ.. مالی

یکی باردار شده در ناف تهران
ایرانی خوانده پنجشیر و بدخشان

به پیشوای دیار غیر به بخشید
لقب رهبر از فارسی زبانان

نه هویت دارد و نه ذات نیکو
نه هندو است، نه ترسا، نه مسلمان

نه تاجیک است نه ازبیک، نه هزاره
نه پشتون و نه سیک است و نه افغان

نه پنجشیریست نه هندوکش شناسد
پیوند کرده خود را با مهد شیران

خزیده زیری ناف مجتهد اش
بمالید تخم رهبر را به دستان

مدیحه می سرائید تا که ویزا
شود تمدید و مهر بر ماتحت شان

و "دعوا ها" که گفت، پیشوا بر آشفت
لگد زد بر دهن، خون شد زنخدان

بگفتا؛ فارسی بی امروزی این است
نگو دعوا، بگو دعوی، خرامان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

تو از اصل و نسب چیزی نداری
تملق، چاپلوسی ست نطق شیطان

جوان استی مشوق ام تو را گر
فلان و بسمدان گیری به دندان

به امثال تو گویم پند و اندرز
مکن خویشتن ذلیل ای مرد نادان

بساط خود فروشی پهن کن، پهن
هر آنچه از تو نیست فروش تو ارزان

سیاه شد روی آن دلک و گفتا
قدم بوسم شما را جان جانان

به تاریخ بنگرید، بخشیده عاشق
به معشوق مُلك مردم را فراوان

مگر حافظ بخارا و سمرقند
به خال هندویش آن یار جانان

نه بخشید خاک مردم را دو دسته؟
شیراز تُرك گر به دست آرد دل مان؟

شنید چون این دلیل، پیشوا بلند شد
بغل کرد بره را، بع بع کشید آن

مدال خایه مالی را بی آویخت
کشید دستی به پشت چاپلوس جان

و من گفتم؛ کبوتر با کبوتر
کند پرواز - باز با باز یکسان